سیاست

زمینه‌ها و موانع تحزب در ایران . . . ۴

فوتبال و روحانیت ۵

سیاست بین‌الملل

فرار از چپ اما نه به راست ۶

احضار نخست‌وزیر عراق به پارلمان ۷

سیاست بین‌الملل

پوپولیسم نارنجی ۸

موشک قاره‌پیمای کره‌شمالی ۹

بنگاه‌ها

صدای فرش از رادیو ۱۰

اختلاف بر سر زمان

محمدرضا سرداری

پرونده هسته‌ای ایران در شرایطی ایستا قرار گرفته است. این پرونده که پس از استقبال مقامات ایرانی از پیشنهاد اروپا جان تازه‌ای گرفته بود پس از آنکه روشن شد اختلاف نظر زیادی بر سر زمان پاسخگویی ایران به این پیشنهاد وجود دارد بار دیگر دچار ایست شد و حال باید دید چه زمانی این پرونده در مسیر بسته شدن گام برمی‌دارد. پس از آنکه مقامات ارشد ایرانی اعلام کردند پیشنهاد اروپا به ایران گامی به جلو است آمریکا و اروپا از این واکنش ایران استقبال کردند اما بلافاصله برای پاسخ ایران به پیشنهاد زمان تعیین کردند. این زمان ۸ تیر بود که از سوی خاویر سولانا اعلام شد اما محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور در همدان گفت ایران پایان مرداد می‌تواند به این پیشنهاد پاسخ دهد. منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران نیز تعیین زمان از سوی گروه ۱+۵ را برای پاسخگویی ایران غیرمنطقی توصیف کرد.

■ ظن ایران به اروپا و آمریکا

مقامات ایرانی از دریافت زمان برای پیشنهاد اروپا به دنبال چه مقصدی هستند؟ آیا ایران نمی‌تواند در این ظرف زمانی نیز به پیشنهاد اروپا پاسخ دهد؟ به نظر می‌رسد پاسخ سریع ایران به پیشنهاد اروپا دو مشکل را در داخل و خارج ایران ایجاد می‌کند. در داخل دادن سریع پاسخ به این پیشنهاد از این منظر مشکل‌آفرین است که امکان جمع‌بندی نظرات کلیه تصمیم‌گیران در این خصوص فراهم نخواهد شد. یعنی مقامات ایرانی می‌خواهند در این تصمیم‌گیری همه را شریک کنند بنابراین لازم است این پیشنهاد را با همه در میان گذارند تا در یک چارچوب کلان به پیشنهاد اروپا پاسخ دهند. اما در بعد بین‌المللی و حتی داخلی قضیه ایران نمی‌خواهد تا با یک اجبار نانوشته به پیشنهاد اروپا پاسخ دهد. شاید به عبارتی بهتر ایران می‌خواهد تا خود زمان پاسخگویی را تعیین کند تا از این‌رو به حیثیت ملی لطمه‌ای وارد نشود. از این منظر ایران قصد دارد تا لااقل زمان را خود تعیین کند و از این منظر حجتی برای خویش داشته باشد. در واقع ایران با تعیین زمان به دنبال کسب یک پرستیژ است تا فرصت برای بررسی بیشتر پیشنهاد اروپا. از این منظر است که ایران به اهداف اروپا و آمریکا به‌شدت ظنین است زیرا که فکر می‌کند اروپا و آمریکا با اصرار بر سر موضوع زمان قصد دارند تا در بعد حیثیتی پرونده هسته‌ای ایران نیز امتیاز اخذ کنند.

■ ظن اروپا و آمریکا به ایران

اما برای اروپا و آمریکا نیز این ظن وجود دارد که ایران همچنان به دنبال خرید زمان است و اگر فرصت بیشتری به ایران داده شود ممکن است پیشنهاد اروپا نیز به سرنوشت پیشنهاد روسیه دچار شود. تندترین واکنش‌ها که به تعیین زمان از سوی ایران به اظهارات اخیر جورج بوش بازمی گردد که تاکید کرده ایران فقط چند هفته برای پاسخگویی فرصت دارد. از ملاقات متکی با مقامات برلین نیز چنین برمی‌آید که آنان نیز چنین خواسته‌ای را تکرار کرده‌اند. ترس گروه ۱+۵ تکرار تجربه‌ای است که آنان پس از رویارو شدن ایران با پیشنهاد روسیه مواجه شدند. پیشنهادی که ابتدا با استقبال ایران روبه‌رو شد و چندین مذاکره طولانی نیز بر سر آن صورت گرفت اما در حالی که برخی انتظار داشتند ایران بالاخره برای جلوگیری از ارجاع پرونده‌اش به شورای امنیت پیشنهاد روس‌ها را خواهد پذیرفت ایران با پیش شرط طرح روسیه مخالفت کرد و این طرح به بایگانی سپرده شد. اکنون اروپا نگران است که طولانی شدن پاسخ ایران در نهایت تجربه پیشنهاد روسیه را تکرار کند زیرا ایران به‌رغم استقبال از پیشنهاد اروپا هنوز موضع روشنی درباره تعلیق نگرفته است. از این رو به نظر می‌رسد ایران تنها از بخش هایی از این پیشنهاد استقبال کرده باشد.

■ نقطه اشتراک طرح روسیه و اروپا

تعلیق غنی‌سازی وجه اشتراک دو طرحی است که تاکنون برای حل مسئله هسته‌ای ایران و اروپا ارائه شده است اما مشکل اصلی این دو طرح جایی است که از ایران خواسته شده تا غنی‌سازی را تعلیق کند. خواسته‌ای که مقامات ایرانی بارها درباره آن اظهارنظر کرده‌اند. حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت خارجه برای نخستین بار بود که پیشنهاد اروپا را بخش بخش کرد و گفت ایران آن بخش که حقوق ایران را برای غنی‌سازی نادیده می‌گیرد رد خواهد کرد. اما قضیه برای اروپا چیز دیگری است. اروپایی‌ها تعلیق غنی‌سازی را معیار پذیرش طرح خویش از سوی ایران می‌دانند. شرطی که تاکنون گزاره مثبتی از آن در مواضع طرف ایرانی دیده نشده است. از سوی دیگر از مواضع طرف اروپایی چنین برمی‌آید که حتی در صورت پذیرش تعلیق از سوی ایران نیز بحث زمان تعلیق معضلی است که بعید است بر سر آن در کوتاه‌مدت به یک توافق پایدار دست یافت. مشکلی که حتی در دولت گذشته نیز وجود داشت. ایران هیچ‌گاه با تعلیق بیش از دو سال موافقت نخواهد کرد در حالی که برخی از مقامات اروپایی از تعلیق ۱۵ ساله سخن می‌گویند.

■ عراق همچنان در انتظار

عراق همچنان در انتظار حل مسئله هسته‌ای ایران است. مقامات عراقی این روزها فعالیت‌ها و ترددهای خود را به ایران تشدید کرده‌اند تا شاید بتوانند در حل این مسئله که می‌تواند به حل مشکلات ایران و آمریکا نیز کمک کند کمکی کنند. همسایه غربی ایران به شدت از تنش در روابط ایران و آمریکا آسیب دیده و از این رو حل این مسئله را در راستای منافع ملی خود و استقرار آرامش در عراق ارزیابی می‌کند. عراقی‌ها تاکنون تلاش‌های زیادی برای نزدیک کردن ایران و آمریکا در عراق به خرج داده‌اند اما به نظر می‌رسد آنها نیز این موضوع را به خوبی درک کرده‌اند که تا مسئله هسته‌ای حل و فصل نشود امیدی به نزدیک ساختن ایران و آمریکا نیست.

خبرها

حمایت مکزیک از ایران

مهر: بوئیس اورتیز موناستریو سفیر مکزیک در تهران تصریح کرد: ایران می‌تواند فناوری هسته‌ای خود را توسعه دهد و تا زمانی که به پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای پایبند است، از این انرژی استفاده صلح‌آمیز کند و این فناوری را توسعه دهد. بوئیس اورتیز موناستریو در مراسم افتتاح نمایشگاه فرهنگی «ایران، همیشه امروز» در شهر «پلازالورتو» مکزیک در سخنانی اظهار داشت: توسعه تکنولوژی با اهداف صلح‌جویانه حق ایرانیان است و تا آنجا که ما در این کشور زندگی می‌کنیم و می‌دانیم، از این کار، هدف نظامی ندارند. وی با بیان اینکه ایران حق دارد کنترل کامل چرخه اورانیوم را در دست داشته باشد گفت: در این باره یک نوع رفتار قیم‌مآبانه از سوی برخی کشورها دیده می‌شود.

جدول زمان‌بندی برای راه‌اندازی نیروگاه بوشهر

ایسنا: خبرگزاری نووستی به نقل از یک منبع دیپلماتیک ایرانی نوشت: اتم استروی اکسپورت و نمایندگان ایران یک جدول زمانی درباره راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر در نیمه دوم سال ۲۰۰۷ را امضا کرده‌اند. براساس این گزارش این جدول زمانی روز سه‌شنبه به امضای دو طرف رسیده است. این منبع دیپلماتیک افزود: تاریخ راه‌اندازی نیروگاه بوشهر روز دوشنبه در نشستی میان رئیس آژانس انرژی هسته‌ای فدرال روسیه و مقامات ایرانی هماهنگ شد. در همین حال یک مقام مسئول تصریح کرد: ایران و روسیه هنوز درخصوص جدول زمان‌بندی راه‌اندازی نیروگاه بوشهر به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند و بررسی‌ها در این باره ادامه دارد. این مقام مسئول خبر یک خبرگزاری روسی را مبنی بر اینکه نمایندگان شرکت اتم استروی اکسپورت و نمایندگان ایران سندی را برای جدول زمان‌بندی راه‌اندازی نیروگاه بوشهر در نیمه دوم سال ۲۰۰۷ امضا کرده‌اند تکذیب کرد. این مقام مسئول با اشاره به سفر اخیر هیات ایرانی به روسیه که برای انجام مذاکراتی درباره راه‌اندازی نیروگاه بوشهر و تعیین جدول زمان‌بندی آن صورت گرفت، گفت: در آن جلسه بنا شد که هیاتی روسی برای انجام بررسی‌ها در این باره به ایران بیاید که اگر چه این هیات پس از دوبار رفت و آمد به ایران به نتایجی دست پیدا کرد اما اینکه درباره جمع‌بندی‌های به دست آمده مذاکرات نهایی صورت گرفته باشد، صحت ندارد. وی گفت: هنوز هیچ سند و یا یادداشتی بین طرفین در این باره به امضا نرسیده است.

دو بازرس آژانس فردا به تهران می‌آیند

فارس: دو بازرس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمعه ۱۶ تیرماه به منظور بازدید از تاسیسات هسته‌ای نطنز و اصفهان وارد تهران می‌شوند. یک منبع آگاه در این باره گفت: این دو بازرس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سفری یک هفته‌ای و در چارچوب توافقنامه پادمان از تاسیسات UCF اصفهان و غنی‌سازی نطنز بازدید به عمل می‌آورند. سفر این بازرسان درحالی صورت می‌گیرد که ۳۱ خردادماه نیز دو بازرس دیگر آژانس به منظور بازرسی از تاسیسات هسته‌ای نطنز و اصفهان تا هفتم تیرماه (۲۸ ژوئن) در کشورمان حضور داشتند.

جایگاه موضوع تهران در نشست گروه ۸

ایسنا: معاون رئیس جمهوری روسیه اظهار داشت که مسئله هسته‌ای ایران در نشست سران گروه هشت مطرح خواهد شد، اما موضوع اصلی بین‌المللی در این دیدار نخواهد بود. به گزارش خبرگزاری نووستی، سرگئی پریخودکو معاون رئیس جمهوری روسیه روز سه‌شنبه در کنفرانسی مطبوعاتی گفت: ما نمی‌توانیم این موضوع را مورد بررسی قرار ندهیم، اما فکر نمی‌کنم که تمامی تلاش روسای جمهور و نخست‌وزیران متمرکز بر موضوع ایران باشد. وی ادامه داد: این مسئله‌ای است که چارچوب و راه‌حل خود را دارد. پریخودکو افزود که این مسئله در نشست گروه هشت جایگاهی که باید را به خود اختصاص خواهد داد. معاون رئیس جمهوری روسیه همچنین اظهار داشت که روسیه و آمریکا در رابطه با مسئله هسته‌ای ایران اختلافی ندارد.

ضرورت توافق ایران و غرب

ایرنا: «احمد ابوالغیط» وزیر خارجه مصر سه‌شنبه‌شب بر حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تاکید کرد. ابوالغیط که در کمیته روابط خارجی پارلمان مصر سخن می‌گفت با تاکید بر ضرورت توافق غرب و ایران در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای گفت: تمامی کشورها باید از فناوری هسته‌ای برخوردار باشند. وی با تاکید بر ضرورت پیوستن رژیم صهیونیستی به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گفت: رقابت در زمینه تسلیحات هسته‌ای، امنیت و صلح جهانی را با تهدید جدی مواجه کرده است.

حمایت از تلاش‌های دیپلماتیک

ایسنا: وزیر امور خارجه فنلاند بر حمایت از تلاش‌های جامعه بین‌الملل جهت حل و فصل دیپلماتیک پرونده هسته‌ای ایران تاکید کرد. وزیر امور خارجه فنلاند که کشورش ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد در اولین گفت‌وگوی مطبوعاتی خود با روزنامه‌های عربی درخصوص پرونده هسته‌ای ایران و نحوه برخورد فنلاند با این مسئله به روزنامه مصری الاهرام اظهار داشت: ما به طور کامل از تلاش‌های فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا، روسیه و چین جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران حمایت می‌کنیم و امیدواریم که ایران نیز به پیشنهاد این کشورها پاسخ مثبت دهد. وی همچنین ابراز امیدواری کرد که در سایه اتحاد قدرتمند بین‌المللی جهت ادامه مذاکرات با ایران این مذاکرات به نتایجی مفید منجر شود.

تضمین حقوق هسته‌ای ایران و مراجع قضایی بین‌المللی

سیدحسین سادات میدانی

■ مقدمه

از زمان شروع پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره موضع‌گیری مقامات و مسئولان متولی پرونده بر این بوده است که هرگونه تصمیم مغایر و ناقض حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران طبق معاهدات بین‌المللی غیر قانونی بوده و قابل پذیرش نیست. در این ارتباط این مسئله مطرح است که تضمین حقوق از دست رفته احتمالی کشور به چه نحوی قابل پیگیری است. در عرصه داخلی در صورت نقض حقوق افراد، معمولاً زیان‌دیده با هدف استیفای حقوق خود موضوع را نزد دادگاه‌های صالحه داخلی اقامه می‌کند حال اینکه در حقوق بین‌الملل با توجه به نبود دادگاه‌هایی با صلاحیت عام پیگیری کامل حقوق از دست رفته دولت‌ها همواره امکان‌پذیر نیست. در اینچنین فضایی موضوع پیگیری حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نزد مراجع قضایی بین‌المللی با محدودیت‌های قانونی مواجه خواهد بود. در حقوق بین‌الملل برخلاف حقوق داخلی اصل بر عدم صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی است و به موجب یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل هیچ دولتی بدون ابراز رضایت ملزم به احاله اختلاف خویش با دولت دیگر جهت پاسخگویی به یک دادگاه بین‌المللی نیست. به عبارت دیگر این رضایت اصحاب دعوی است که به دیوان‌های بین‌المللی اعطای صلاحیت می‌کند. این موضوع اثر مستقیم اصل حاکمیت دولت‌ها است و در مورد کلیه شیوه‌های حل و فصل اختلافات (قضایی، داوری، سازش، میانجیگری و مساعی جمیله) مجری و قابل اعمال است. اصل مذکور در ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز لحاظ شده و به انحای مختلف و مکرراً در آرای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان کنونی مورد تائید قرار گرفته است. به طور مثال دیوان در قضیه نفت ایران و انگلیس بیان داشت که «قواعد عام مندرج در ماده ۳۶ اساسنامه . . . مبتنی بر این اصل هستند که صلاحیت دیوان جهت رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به یک قضیه در ماهیت دعوی منوط به اراده اطراف دعوی است. تا زمانی که اطراف دعوی طبق ماده ۳۶ به دیوان صلاحیت اعطا نکنند، دیوان فاقد اینچنین صلاحیتی خواهد بود.» این مسئله موجب شده است که صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی از حیث اصل و دامنه صلاحیت همواره محدود به رضایت دولت‌های طرف اختلاف باشند. به عبارت دیگر صلاحیت‌دار کردن یک دیوان بین‌المللی منوط به این خواهد بود که دولت‌های طرف اختلاف رضایت خویش را به طور ضمنی و یا صریح در قبال صلاحیت آن دیوان اعلام داشته باشند و نبود رضایت مانع از تداوم جریان دادرسی خواهد شد. البته دامنه اعمال اصل مذکور همواره از سوی برخی قضات به انحای مختلف به چالش کشیده شده است، لیکن حداقل درخصوص اصل وجودی صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی کماکان مورد پذیرش است که وجود رضایت دولت‌ها مبنای اساسی صلاحیت‌دار بودن دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. اگرچه نهادهای حقوقی بین‌المللی در عمل تلاش نموده‌اند که به هنگام اعمال صلاحیت، دامنه صلاحیتشان را به طرق مختلف گسترش دهند و این گسترش صلاحیت را به دلایل متعدد توجیه کرده‌اند. با در نظر گرفتن ملاحظه مذکور در ارتباط با دادگاه‌های بین‌المللی طرح ادعاهای کشورمان نزد مراجع بین‌المللی علیه خوانده‌های احتمالی (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و یا برخی از دولت‌ها) صرفاً با وجود یک مبنای صلاحیتی پیشین امکان‌پذیر است. بررسی اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوطه بیانگر این مطلب است که در حال حاضر صرفاً با توسل به مبانی ذیل می‌توان ادعای کشورمان را نزد دادگاه‌های بین‌المللی مطرح ساخت.

۱- طرح دعوی علیه آژانس در دادگاه داوری

به موجب ماده ۲۲ موافقتنامه سال ۱۹۷۴ منعقده بین ایران و آژانس هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر و یا اجرای این موافقتنامه به‌استثنای اختلافات مرتبط با یافته شورای حکام طبق ماده ۱۹ (این موضوع که آژانس در موقعیتی قرار نداشته است که بتواند بیان دارد انحراف مواد هسته‌ای تحت نظارت پادمان‌های این موافقتنامه به تسلیحات هسته‌ای یا سایر مواد اتمی منفجره صورت نپذیرفته است) و یا هر اقدامی که شورا به موجب این یافته اتخاذ کرده است (گزارش‌دهی طبق پاراگراف C ماده XII اساسنامه آژانس به شورای امنیت و یا اتخاذ سایر اقدامات مذکور در این ماده) که از طریق مذاکره با سایر آئین‌های مورد توافق بین دولت ایران و آژانس فیصله نیابد، می‌بایست بنابه تقاضای هر یک به یک دادگاه داوری ارجاع شود که بدین شکل تاسیس خواهد شد: هریک از دولت ایران و یا آژانس فردی را به عنوان داور انتصاب کرده و دو داور منتصب فرد سومی را انتخاب خواهند کرد که ریاست دادگاه را برعهده خواهد داشت. چنانچه ظرف سی روز از درخواست نصب داور، هیچ یک از دولت ایران و یا آژانس مبادرت به نصب داور نکنند، دولت ایران یا آژانس می‌تواند از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نصب داور مذکور را بنماید. آئین مشابهی نیز اعمال خواهد شد چنانچه ظرف سی روز از تاریخ نصب یا تعیین داور دوم، داور سوم انتخاب نشده باشد. اکثریت اعضای دادگاه داوری حد نصاب دادگاه به شمار آمده و کلیه تصمیمات می‌بایست حداقل مورد موافقت دو داور قرار گیرند. آئین رسیدگی داوری توسط دادگاه تنظیم خواهد شد. تصمیمات دادگاه برای دولت ایران و آژانس الزام‌آور خواهد بود. در این خصوص شایان ذکر است اولاً دامنه صلاحیت ذاتی دادگاه داوری مذکور، همان‌گونه که آمده است مستثنی از اختلافات مرتبط با یافته‌های ماده ۱۹ موافقتنامه پادمان ۱۹۷۴ است. لذا گزارش‌دهی پرونده هسته‌ای به شورای امنیت نمی‌تواند موضوع دادخواست ایران را تشکیل دهد. با این حال به نظر می‌رسد که موارد بسیاری از مفاد این موافقتنامه قابل درج در دادخواست کشورمان باشد. ثانیاً در صورت طرح دعوی در این دادگاه داوری، حقوق حاکم بر دعوی حقوق بین‌الملل خواهد بود. ماده ۱۷ موافقتنامه پادمان صراحتاً تاکید دارد که هر گونه ادعایی از سوی دولت ایران علیه آژانس یا از سوی آژانس علیه دولت ایران در ارتباط با خسارات ناشی از اجرای پادمان طبق این موافقتنامه به استثنای خسارات ناشی از یک حادثه اتمی (هسته‌ای) می‌بایست بر اساس حقوق بین‌الملل حل و فصل شود. در این خصوص حقوق بین‌الملل مشتمل بر کلیه تعهدات بین‌المللی قراردادی و عرفی ایران و آژانس خواهد بود.

۲- طرح دعوی علیه برخی دولت‌های عضو آژانس در دیوان بین‌المللی دادگستری

بند اول ماده XVII اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه داده است که «هر مسئله یا اختلافی در ارتباط با تفسیر یا اجرای این اساسنامه که از طریق مذاکره حل و فصل نیابد می‌بایست طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به این دیوان ارجاع شود، مگر اینکه اصحاب دعوی نسبت به یک روش دیگر حل و فصل اختلافات توافق کنند.» دیوان بین‌المللی دادگستری که معمولاً از آن با عنوان دادگاه لاهه یاد می‌شود، رکن قضایی اصلی ملل متحد است (ماده ۹۲ منشور) که طبق اساسنامه آن صرفاً امکان طرح دعوی علیه ملت‌ها (ماده ۳۴) در خصوص مسائل مرتبط با حقوق بین‌الملل (ماده ۳۶) وجود دارد. لذا از این مرجع نمی‌توان علیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک سازمان بین‌المللی بهره جست. البته تقریباً در حقوق بین‌الملل مورد پذیرش است که یک سازمان بین‌المللی و دولت‌های عضو بتوانند مشترکاً و یا منفرداً در قبال یک دولت عضو دیگر از مسئولیت بین‌المللی برخوردار باشند. به طور مثال اخیراً کمیته مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) طی گزارش خویش در سال ۲۰۰۲ تصریح کرد که «مسئولیت یک سازمان بین‌المللی مانع از وجود مسئولیت مستقل یا مشترک یک دولت و یا یک سازمان بین‌المللی دیگر که در انجام یک عمل نادرست بین‌المللی مشارکت داشته‌اند، نمی‌شود.» شایان ذکر است که موضوع مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در حال حاضر در کمیسیون حقوق بین‌الملل مجمع عمومی در حال بررسی است. از این حیث وجود مسئولیت مشترک آژانس و برخی از دولت‌های عضو نیز امکان‌پذیر است. به منظور استفاده از این سازوکار باید به خاطر داشت که رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری همواره بر این سیاست قضایی استوار بوده است که خواهان باید اثبات کند که یک اختلاف حقوقی (متفاوت از اختلافات سیاسی) وجود دارد. لذا در گام اول ضروری است که دقیقاً دامنه و موضوع اختلاف با دولت‌های عضو طرف دعوی تعیین شود در غیر این صورت موضوع غیرقابل استماع تشخیص داده خواهد شد.

اگرچه ماده فوق‌الاشعار صرفاً به اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای اساسنامه آژانس اشاره دارد. با این حال در عمل دیوان بین‌المللی دادگستری با استناد به بند ۳ (ج) ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ تلاش کرده است که هر قاعده حقوق بین‌الملل دیگر که در روابط بین طرف‌های معاهده قابل اجرا هستند را نیز لحاظ کند. دیوان اخیراً در رای سکوهای نفتی از این قاعده به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل عام یاد کرد. دیوان با پرداختن به این قواعد مرتبط به صورت خزنده صلاحیت خویش را نیز توسعه می‌بخشد. لذا به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص توسل به این شیوه باید در نظر گرفت که دیوان در جریان رسیدگی به تعهدات کشورهای طرف اختلاف طبق سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی مجری (همانند معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، بیانیه سعدآباد، موافقتنامه پاریس و موافقتنامه پادمان) نیز توجه خواهد داشت.

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی اصلی ملل متحد (ماده ۹۲ منشور) همواره تلاش داشته است که در صدور آرای خویش انجام وظایف سایر ارکان سازمان (از جمله شورای امنیت) را نیز تسهیل کند. لذا در صورت وجود هرگونه تصمیم شورای امنیت به احتمال فراوان رای دیوان ناقض مفاد نظرات شورا نخواهد بود. این رهیافت قضایی در جریان رسیدگی به پرونده لاکربی به‌وضوح مشخص شد. دیوان در قضیه مورد اشاره با استناد به ماده ۱۰۳ منشور به تعهدات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت ویژگی برتر اعطا کرد.

بند دوم ماده XVII اساسنامه آژانس همچنین به کنفرانس عمومی و شورای حکام منفرداً اختیار داده است که در صورت اجازه مجمع عمومی ملل متحد از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور نظریه مشورتی در ارتباط با هر مسئله حقوقی مرتبط با دامنه فعالیت‌های آژانس را بکند. همان‌گونه که مشخص است فرآیند درخواست صدور نظریه مشورتی بسیار طولانی بوده و نیازمند رایزنی‌های بسیاری است (تصویب شورای حکام یا کنفرانس عمومی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد) لذا بعید به‌نظر می‌رسد که اینچنین موضوعی از دیوان درخواست شود. شایان‌ذکر است که کشورهای غربی در جریان تصویب قطعنامه مجمع عمومی جهت درخواست نظریه مشورتی در ارتباط با مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین مقاومت‌های زیادی از خود نشان دادند. به‌علاوه باید در ذهن داشت که حتی در صورت امکان‌پذیر بودن درخواست صدور نظریه مشورتی، از حیث آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان فاقد الزام‌آوری حقوقی است. دیوان در نظریه مشورتی سال ۱۹۵۰ خویش صراحتاً بیان داشت که پاسخ دیوان فقط دارای ویژگی مشورتی بوده و بنابر این هیچ قدرت الزامی ندارد.

ادامه سرمقاله

ربودن ۸ عضو کابینه و ۲۴ نماینده پارلمان تشکیلات خودگردان فلسطین و حملات هوایی به نیروگاه‌ها، پل‌ها، مراکز دولتی و دیگر زیرساخت‌های دولت فلسطین، این پیام را به همراه داشت که اسرائیل از یک شریک مطمئن فلسطینی برای ادامه روند صلح محروم است و به گفته اولمرت نخست‌وزیر باید به صورت یک طرفه تدابیر خود را به مورد اجرا بگذارد. در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که عملیات اسرائیل در غزه به موضوع سرباز ربوده شده اسرائیل محدود نخواهد ماند. تل‌آویو پس از عملیات غزه به کمتر از سرنگونی دولت حماس رضایت نخواهد داد اما اسرائیل با به پرواز درآوردن جنگنده‌های خود بر فراز حریم هوایی سوریه و به‌طور مشخص کاخ اسد در بندر لاذقیه پیام منطقه‌ای مهمی به دمشق ارسال کرد که جان بولتون نماینده دائمی آمریکا با طرح موضوع دخالت سوریه در بحران‌های اسرائیل و فلسطین سناریو بعدی اسرائیل را برملا کرد.

۲. از منظر راهبردی و در ورای بحران غزه، دولت تل‌آویو همواره استراتژی خود را روی انتقال رویارویی نظامی به حوزه استحفاظی حریف با تکیه بر عملیات سبقت‌گیرانه متمرکز کرده بود. این استراتژی اسرائیل از زمان اعلام موجودیت تا پایان هزاره دوم ادامه داشت. حملات پیشگیرانه در جنگ ژوئن ۱۹۶۷، حملات بی‌وقفه در اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲، حمله به رآکتورهای اتمی عراق در جریان جنگ ایران و عراق و حملات بی‌وقفه به مراکز و پایگاه‌های فلسطینی‌ها در لبنان و سوریه در چارچوب همین استراتژی اسرائیل قرار داشت. مقاومت سرسختانه جنبش مقاومت اسلامی در جنوب لبنان که از سال ۸۲ تا پایان سال ۱۹۹۹ ادامه داشت ارتش قدرتمند اسرائیل را با مشکلات و دشواری‌های طاقت‌فرسا مواجه کرد. از آن پس اسرائیل پس از برگزاری اجلاس مادرید و پذیرش صلح از سوی کشورهای عربی و نیز پس از امضای قراردادهای اسلو با فلسطینی‌ها استراتژی خود را تغییر داد و استراتژی «دفاع از سرزمین‌های قابل دفاع» را جایگزین آن کرد. این استراتژی به همراه ادامه روند مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها اگرچه ضریب امنیتی اسرائیل را بالا برد، اما اسرائیل فقط یک طرف بازی بود، زیرا جنبش مقاومت اسلامی حماس و جهاد اسلامی و دیگر سازمان‌های فلسطینی و حتی پیکارجویان سازمان فتح به رهبری مرحوم یاسر عرفات با تکرار الگوی جنبش مقاومت اسلامی لبنان در درون سرزمین‌های اشغالی و گسترش دامنه‌های آن حتی در مرزهای پیش از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، در واقع استراتژی مقاومت را به کانون استحفاظی حریف منتقل کردند. این تحول کیفی در جنبش مقاومت فلسطین، ارتش اسرائیل را با فرسایش شدید و بحران‌های فزاینده مواجه کرد. نتیجه نظامی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین طی فقط نیم دهه در جریان دو انتفاضه اول و دوم، عقب‌نشینی یک‌جانبه ارتش اسرائیل از باریکه غزه در اوایل سال جاری مسیحی (شبیه به عقب‌نشینی یک‌جانبه اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰) و نتیجه سیاسی آن روی کار آمدن دولت اسلامگرای حماس با سازوکار دموکراتیک بود. اسرائیل با پذیرش قرارداد اسلو و به رسمیت شناختن جریان سیاسی میانه‌رو فلسطین در پایان هزاره دوم امیدوار بود، یک دولت تماماً سکولار فلسطینی، شریک نهایی اسرائیل در مذاکرات مربوط به تعیین سرنوشت نهایی شناخته شود، اما هزاره سوم با موج جدیدی از بیداری اسلامی در میان ملت‌های منطقه همراه بود. از این رو اسرائیل اینک با عملیات نظامی گسترده خود در نوار غزه و اجرای مانور هوایی روی کاخ بشار اسد در لاذقیه بیش از هر چیز قصد دارد به حریفان منطقه‌ای خود (سوریه و در نگاهی عمیق‌تر مصر و عربستان سعودی) این پیام را بدهد که تکرار الگوی جنوب لبنان در حوزه استحفاظی‌اش غیرقابل تحمل بوده و در صورت ادامه این وضعیت، انتقال به استراتژی پیشین یعنی انتقال عرصه جنگ به حوزه استحفاظی حریفان منطقه‌ای در دستور کار نهاد نظامی اسرائیل قرار خواهد گرفت.

■ نتیجه گیری

اوضاع منطقه خاورمیانه و بحران‌های تودرتوی آن از افغانستان گرفته تا فلسطین تا اطلاع ثانوی ناآرام است. به نظر می‌رسد در میان مدت محور سوریه (به اتهام‌های گوناگون از پرونده ترور رفیق حریری گرفته تا پناه دادن به آنچه آمریکا سازمان‌های تروریستی می‌نامد) فعال خواهد شد تا موضوع اتمی ایران به آنچه آمریکا «ساماندهی مطلوب همراه با قابلیت مهار» می‌نامد، برسد. این شاید تنها تفسیر دلایل شدت وحشیگری عملیات اسرائیل در غزه باشد. سکوت و بلکه همراهی ایالات متحده آمریکا و چند کشور اروپایی با اسرائیل (به بهانه حق اسرائیل در دفاع از خود) پیوند اجزای به ظاهر پراکنده بحران‌های منطقه‌ای و یکسانی نحوه مقابله با آن را به نمایش می‌گذارد.